

Domestic Institutionalization of Human Rights in International Human Rights Law; From National Institution to National System (Original Research)

Mohammad Maysam NaddafPour*
Seyed Mohammad Mahdi Ghamami**

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.710234

Date Received: 17 May 2023

Date Accepted: 30 September.2023

Abstract

One of the complex issues of international human rights law is the gap between theory and practice. Despite significant progress, international and regional mechanisms have not been able to fully bridge this gap. In this regard, "Domestic Institutionalization of Human Rights" seeks to play a complementary role in the multi-level supervision of international institutions over the protection of human rights in states. This article examines the role of "domestic institutionalization" in international human rights law. The article concludes that the United Nation's prescriptions for domestic institutionalization of human rights have evolved beyond a mere focus on the role of the national human rights institution, and as much as it is related to the concept of "national human rights system", it studies all relevant elements, including governmental and non-governmental actors, the legal framework, processes and relationships between them as a system. This process indirectly and softly weakens the absolute sovereignty of states.

Keywords

Domestic Institutionalization of Human Rights, National Human Rights System, National Human Rights Institution, United Nations, Sovereignty.

* Corresponding Author, Ph.D. Student in Public Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, Mmnpa313@gmail.com

** Associate Prof. Department of Public and International Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, ghamamy@isu.ac.ir



نهادسازی داخلی در نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ از نهاد ملی تا نظام ملی (پژوهشی)

محمد میثم نداف پور *

سید محمد مهدی غمامی **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.710234

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

چکیده

یکی از مسائل پیچیده نظام بین‌المللی حقوق بشر، شکاف میان نظر تا عمل است. سازکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای با تمام توفیقاتش نتوانسته این شکاف را پر کند. «نهادسازی داخلی حقوق بشر» از این جهت به دنبال ایفای نقش مکمل در نظارت چندسطحی مراجع بین‌المللی بر تضمین آن در کشورها است. مسئله اصلی مقاله این است که «نهادسازی داخلی» دارای چه جایگاهی در نظام بین‌المللی حقوق بشر است. مقاله به این نتیجه رسیده که در حال حاضر، نسخه‌های سازمان ملل متحد در نهادسازی داخلی حقوق بشر، از صرف توجه به نقش نهاد ملی حقوق بشر فراتر رفته است و در مفهوم «نظام ملی حقوق بشر»، تمام عناصر آن اعم از بازیگران دولتی و غیردولتی، چارچوب قانونی، فرایندها و روابط بین آنها را به‌عنوان نظام مطالعه می‌کند. این روند به‌صورت غیرمستقیم و نرم، حاکمیت مطلق دولت‌ها را کم‌رنگ می‌کند.

واژگان کلیدی

نهادسازی داخلی حقوق بشر، نظام ملی حقوق بشر، نهاد ملی حقوق بشر، سازمان ملل متحد، حاکمیت

* نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران،
Mmnpa313@gmail.com

ایران

** دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
ghamamy@isu.ac.ir

مقدمه

وقتی بر وجه «داخلی» بودن نهادسازی حقوق بشر تأکید می‌شود، یعنی گویا نهادسازی‌های دیگری از جمله خارجی نیز وجود دارد. به همین جهت است که باید «نهادسازی داخلی» را یک سطح از نهادسازی در کنار دیگر سطوح قابل تصور دانست و باید «نظام بین‌المللی حقوق بشر»^۱ را خاستگاه «نهادسازی داخلی» تلقی کرد، چون اگر نهادسازی در نظام حقوقی کشورها مطالعه شود، نیازی به قید «داخلی» ندارد.

نظام بین‌المللی حقوق بشر در طی زمان، مراحل «پیدایش مفهوم»، «استانداردسازی»، «بین‌المللی‌شدن» به معنای مشارکت دولت‌ها در شناسایی استانداردها و پیوستن به معاهدات و داخل کردن آن در نظامات داخلی و «جهانی‌شدن» به معنای اقبال آحاد بشری و سازمان‌های مدنی را طی کرده است.^۲ آنچه نظام بین‌المللی بیشتر در آن موفق بوده، قاعده‌گذاری و استانداردسازی بوده و تورم هنجاری گسترده ایجاد شده توانسته است روند تضمین حقوق بشر را یک گام پیش ببرد؛ اما حرکت جامعه بین‌المللی از مرحله اعلام تا اجرا در نهادسازی مؤثر موفق نبود و دچار شکاف بین هنجارسازی و نهادسازی شد. این شکاف همواره با تعبیر مختلفی مانند شکاف میان تعهد و ایجاب^۳ یا شکاف میان ایده‌آل حقوق بشر و واقعیات سیاسی روی زمین^۴ یا شکاف ارزش‌ها و واقعیات^۵ یا نظر تا عمل^۶ پرسش کلیدی محققان مختلف قرار گرفته است.

نهادسازی بین‌المللی با محوریت سازمان ملل متحد، چه بر اساس نظارت‌های معاهده‌محور و چه بر اساس نظارت‌های منشورمحور و چه بر اساس ترویج حقوق بشر توسط ارگان‌های زیرمجموعه آن استقرار پیدا کرده است. تلاش برخی دولت‌ها برای تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) در ۲۰۰۲ حرکت رو به جلوی دیگری برای نظارت قضایی مؤثر بر مجرمان ناقض حقوق بشر بوده است. اما هنوز عدم پیوستن دولت‌ها به اساسنامه این دیوان و برخی دلایل دیگر، کارایی این دادگاه بین‌المللی را محقق نکرده است. نواقص موجود در نظارت‌های سیاسی سازمان ملل و برخی محدودیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری و عدم توفیق در تشکیل دیوان بین‌المللی حقوق بشر،

1. International Human Rights Law

۲. اسلامی، رضا، آیا حقوق بشر؟ راهنمای هنجاری حقوق مدنی سیاسی برای توانمندی و مطالبات جامعه مدنی (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵)، ۴۷-۵۶.

3. Thomas Risse and Stephen C. Ropp, "Introduction and overview." In *The Persistent Power of Human Rights: From Commitment to Compliance*, ed. Thomas Risse, Stephen C. Ropp and Kathryn Sikkink (United Kingdom: Cambridge University Press, 2013), 3-25.

4. Oona A. Hathaway, "Do Human Rights Treaties Make a Difference?" *The Yale Law Journal* 111, 8 (2002).

۵. شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر؛ ارزش‌ها و واقعیات‌ها (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰).

۶. خیرالله پروین، حقوق بشر از نظر تا عمل (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵).

همگی از نارسایی‌هایی حکایت دارند که در سازوکارهای جهانی موجود نهفته است.^۷ وجود علایق و پیوندهای معنوی مشترک میان ملت‌های برخی مناطق جغرافیایی، عامل وحدت‌زایی برای نوعی همبستگی برای تشکیل نظامات نظارتی منطقه‌ای شد. به همین جهت، نظامات منطقه‌ای اروپایی، امریکایی و افریقایی حقوق بشر ایجاد شده است و برخی کارایی‌های خود را نشان داده است. علی‌رغم توسعه نهاد‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، کماکان مسئله شکاف نظر تا عمل لاینحل باقی مانده است و سازمان ملل متحد، نظامات بین‌المللی موجود را کافی نمی‌داند و تلاش می‌کند در سطوح ملی و محلی، حقوق بشر را ترویج و حمایت کند. اصولاً اقدامات سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر بر اساس این فرضیه بنیادین بنا نهاده شده است که احترام جهانی برای حقوق بشر نیازمند تلاش‌های پایه‌ای هر دولت، فرد، گروه و سازمان در جامعه است.^۸ و حقوق بشر، زمانی به بهترین وجه تأمین می‌شود که در فرهنگ مردمان ریشه بدواند و آن هم زمانی رخ می‌دهد که در قوانین ملی ادغام و از طریق نهاد‌های ملی ترویج شود.^۹ این واقعیت به‌طور فزاینده‌ای برای سازمان‌های بین‌المللی آشکار شده است که بهره‌مندی مؤثر از حقوق بشر نیازمند ایجاد زیرساخت‌های ملی برای ارتقا و حمایت از آن است.

بنابراین مسئله اصلی این است که «نهادسازی داخلی حقوق بشر» چه جایگاهی در حقوق بین‌الملل حقوق بشر دارد. این تحقیق با تأکید بر اسناد بین‌المللی و دکترین حقوقی به دنبال پاسخ به مسئله مذکور است. به نظر می‌رسد نهادسازی داخلی، سطحی از نظارت در کنار سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است که نظام بین‌المللی حقوق بشر بر رفتار دولت‌ها در داخل کشورها به شکل مؤثرتری نظارت دارد. امروز دیگر تنها سازکار مراجع بین‌المللی در داخل کشورها، نهاد ملی نیست و آن‌ها به‌طور گسترده در امور داخلی کشورها به‌صورت غیرمستقیم ظهور و بروز دارند.

آنچه غالباً در آثار محققان حوزه حقوق بشر در این موضوع دیده می‌شود، تمرکز بر «نهاد ملی حقوق بشر» و همچنین «برنامه اقدام عملی حقوق بشر» به‌عنوان سازکارهای داخلی توصیه‌شده سازمان ملل برای کشورها است. به عبارت دیگر، هم‌زمان با اختلاف‌نظرها و تلاش‌های چندساله نهاد‌های سیاسی و مدنی در تصویب قانون تشکیل نهاد ملی در ایران، حقوق بین‌الملل بشر یک گام پیش‌تر رفته و به دنبال توسعه نهادسازی داخلی فراتر از نهاد ملی است.^{۱۰} این مقاله تلاش

۷. زمانی، سیدقاسم، امیرساعد و کیل و پوریا عسکری، نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، ویراست دوم (تهران، شهر دانش، ۱۳۹۴)، ۱۸.

8. P. C., Sinha, *Encyclopedia of Human Rights* (New Delhi: Anmol Publications, 2002) 795.

۹. حقوق بشر در جهان امروز: اولویتی برای سازمان ملل متحد، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱، بی‌تا، ۲۵.

۱۰. به‌عنوان نمونه، از آثاری که صرفاً به نهاد ملی پرداخته‌اند: محمدرضا غائبی، کتابچه راهنمای سازمان ملل متحد با عنوان نهاد‌های ملی حقوق بشر، (تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸)؛ اکبر طلائی، *نهاد ملی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران: مبانی، وظایف و ساختار پیشنهادی* (تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۹)؛ هادی شوشتری و

کرده است تحول مذکور در نهادسازی داخلی را توصیف کند. بدون شک، شناخت این تحول در تعیین سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر و تصویب قوانین مختلف از جمله قانون تشکیل نهاد ملی ایران مؤثر خواهد بود. همچنین این مقاله مقدمه‌ای برای تحقیق پیرامون نهادسازی داخلی در جمهوری اسلامی ایران است که نیازمند تحقیق در مجال دیگری است. در این مقاله ابتدا جایگاه نهادسازی داخلی در حقوق بین‌الملل بشر و رویکردی که بر آن حاکم است، تشریح و سپس پیشینه‌ای از تحولات نهادسازی داخلی توصیف خواهد شد. در بخش سوم، عناصر نهادسازی داخلی حقوق بشر تحت عنوان «عناصر نظام ملی حقوق بشر» که شامل آخرین تحولات است، برشمرده می‌شود.

۱. جایگاه نهادسازی داخلی در نظام بین‌المللی حقوقی بشر

دو عامل نبود اراده و تمایل سیاسی دولت‌ها و همچنین ناتوانی آن‌ها در تضمین حقوق بشر، به‌عنوان علل ایجاد شکاف نظر تا عمل یا ارزش و واقعیت مطرح شده است. به همین دلیل، نهادسازی داخلی حقوق بشر به‌عنوان راه‌حل مطرح شده است.^{۱۱} بنابراین «نهادسازی داخلی حقوق بشر»^{۱۲} به‌عنوان بخشی از نظام چندسطحی^{۱۳} توسعه و حمایت از حقوق بشر در کنار سطوح دیگر بین‌المللی و منطقه‌ای در نظام بین‌المللی حقوق بشر معنا پیدا می‌کند.

نخستین اقدام دولت‌ها برای مشارکت جهانی، پیوستن آن‌ها به اسناد بین‌المللی و متعاقباً نهادسازی هنجارهای بین‌المللی در نظامات داخلی کشورها بود، به نحوی که طبق تحقیقات حدود سی سال گذشته برآورد می‌شد که بیشتر کشورها، هنجارها و استانداردهای حقوق بشری را در نظام حقوقی داخلی خود جای داده‌اند.^{۱۴} اما صرف پیوستن به معاهدات و حتی داخل کردن هنجارها در قوانین و مقررات کشورها کافی نبود. از همین روست که جامعه بین‌المللی در سال‌های متعدد تلاش کرده است تا به یک الگوی مشترک دست یابد تا نظارت‌های هماهنگ و هم‌افزا صورت

ایرج حسینی صدرآبادی، «بررسی فرایند تأسیس نهاد ملی حقوق بشر در چارچوب تعامل نظام حقوق داخلی با نظام بین‌المللی حقوق بشر» مجله سیاست خارجی ۳۶، ۱۴۲ (۱۴۰۱)؛ بنت‌الهدی صادقی، بررسی ضرورت تأسیس نهاد ملی حقوق بشر در ایران (تهران: انتشارات استاد شهریار، ۱۴۰۰). کتب و مقالات معدودی، مفهوم نهادسازی داخلی را فراتر از نهاد ملی تبیین کرده‌اند: جمعی از نویسندگان، نهادسازی داخلی حقوق بشر (لندن: انتشارات راتلج، ۲۰۲۲)؛ مامسیو زیبولی، نقش نظام‌های ملی حقوق بشر در اجرای استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر (ژنو: انتشارات آکادمی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ژنو، ۲۰۲۱)؛ کتابچه راهنمای اتحادیه اروپا به سفرای اتحادیه، ۲۰۰۹ و تلاش‌های مؤسسه حقوق بشر دانمارک.

11. Stéphanie Lagoutte, "The Role of State Actors within the National Human Rights System," *Nordic Journal of Human Rights* 37, 3 (2019): 180

12. Domestic Institutionalization of Human Rights

13. Multi-Level

14. United Nations Centre for Human Rights. *National human rights institutions: A handbook on the establishment and strengthening of national institutions for the promotion and protection of human rights. Professional training series: no.4* (Geneva: United Nations, 1995) 3.

گیرد و همچنین پلی برای ورود استانداردهای بین‌المللی به نظام حقوقی داخلی کشورها باشد. تلاش‌هایی مثل نهاد ملی حقوق بشر در کشورها یا برنامه جامع اقدام ملی از جمله کنش‌های سازمان‌های بین‌المللی برای نظامات داخلی کشورها بوده است. «در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها نهادهایی را با کارکرد حمایت از حقوق بشر ایجاد کرده‌اند. اگرچه ممکن است عنوان یا مأموریت مخصوص این نهادها از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد، آن‌ها هدف مشترکی را پی می‌گیرند و به همین دلیل مجموعاً به این نهادها، نهادهای ملی حقوق بشر می‌گویند».^{۱۵} در نهادسازی داخلی، ترکیبی از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم و همچنین نرم و سخت توسط سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد که در جدول زیر آمده است:^{۱۶}

نرم	سخت	
از طریق همکاری (Collaboration)	از طریق اصل سلسله‌مراتب (Hierarchy)	مستقیم
شورای حقوق بشر و یوپی‌آر مجمع عمومی سازمان ملل کمک‌های فنی کشور به کشور	شورای امنیت در قالب مسئولیت حمایت	
از طریق ارکستراسیون و هماهنگ‌سازی (Orchestration)	از طریق هیئت‌های نمایندگی (Delegation)	غیرمستقیم
دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر تیم‌های کشوری سازمان ملل	نهادهای معاهده‌محور رویه‌های ویژه	

نهادسازی داخلی حقوق بشر که غالباً در سازوکار نهاد ملی حقوق بشر خلاصه می‌شود و تحت هدایت دفتر عالی کمیساریای عالی حقوق بشر اعمال می‌شود، از جمله روش‌های نرم و غیرمستقیم است که برای تضمین حقوق بشر در سطح داخلی صورت می‌گیرد.

تحول جدیدی در سال‌های اخیر در جامعه بین‌الملل و دکترین حقوقی رخ داده است که وجود نهادهای ملی حقوق بشر و برنامه اقدام جامع ملی و سازوکارهای مشابه نتوانسته است به تنهایی شکاف میان اجرای تعهدات و واقعیات را پر کند. به همین دلیل، مبحث نهادسازی داخلی حقوق بشر با رویکرد موسع‌تری تلاش دارد به دنبال پویایی و تحول در دستگاه‌های دولتی اعم از نقاط قانونی و متمرکز کلان کشور، کمیته‌های پارلمانی حقوق بشر، دادگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، نهادهای اجرایی و نظارتی نیز باشد. در نهادسازی داخلی حقوق بشر، توجه مجددی به اهمیت نهادهای

15. Sinha, *Encyclopedia of Human Rights*, 796.

16. Tom Pegrarn, "Global Human Rights Governance and Orchestration: National Human Rights Institutions as Intermediaries," *European Journal of International Relations* 21, 3 (2015): 600.

سیاسی ملی در رژیم بین‌المللی حقوق بشر از جمله بازیابی نقش بازیگران دولتی جلب شده است. این به نوبه خود به سمت مفهوم «نظام ملی حقوق بشر»^{۱۷} رهنمون می‌شود.^{۱۸} این تحول اگرچه از سوی مراکز وابسته به سازمان ملل تحت عناوینی مثل «نظام ملی حمایت از حقوق بشر» مورد اشاره قرار گرفته است، آن‌چنان که باید، حقوق‌دانان و محققان در مورد آن سخن نرانده‌اند و عمده مباحث در «نهاد ملی حقوق بشر» به‌عنوان نهاد میانجی دولت و مردم و همچنین نهاد واسط سازمان‌های بین‌المللی و دولت خلاصه شده است. البته در خصوص برخی بازیگران دولتی مثل قوه قضائیه که به نحوی در معاهدات حقوق بشری الزاماتی برای آن‌ها تعیین شده است، استانداردهای هائی از دیرباز در توصیه‌ها و اسناد بین‌المللی دیده می‌شود، اما نگاه سیستمی به مجموع بازیگران دولتی و غیردولتی، فرایندها و روابط میان‌دولتی و همچنین چارچوب‌های حقوقی هر کشور، نظام ملی حقوق بشر را تأسیس کرده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه نهادسازی داخلی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و ظهور نظام ملی

حقوق بشر

اولین گام پس از تدوین معاهدات حقوق بشری در نهادسازی داخلی به‌عنوان تجویز ساختارها و فرایندهای سازمانی در محیط داخلی دولت‌ها از سوی سازمان‌های بین‌المللی، با تشکیل نهاد ملی حقوق بشر^{۱۹} آغاز شد. اولین زمره‌ها در خصوص تشکیل یک نهاد ملی در شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل (اکوسوک)^{۲۰} در ۱۹۴۶ و دو سال پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شد که «گروه‌های اطلاعاتی و کمیته‌های محلی حقوق بشر درون کشورها برای تشریح مساعی در پیشبرد فعالیت‌های کمیسیون حقوق بشر شکل بگیرد».^{۲۱} چند سال بعد، لفظ «نهادهای ملی» برای اولین بار در نشست اکوسوک در ۱۹۶۰ مطرح شد و در قطعنامه مربوطه از کشورها دعوت شد تا برای شکل‌گیری این نهادها و نحوه ارتباط آن با دبیرکل سازمان ملل متحد مشارکت کنند. ظرف یک دهه، مباحثی در خصوص استانداردهای لازم برای تشکیل نهادهای ملی مطرح شد تا اینکه اولین اقدام جدی با تمرکز بر نهادهای ملی، برگزاری سمینار «نهادهای ملی برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر» در سپتامبر ۱۹۷۸ به پیشنهاد کمیسیون حقوق بشر در ژنو بود که در آن، نقشه راهی برای ساختار و کارکردهای نهاد ملی تعیین شد.^{۲۲} پس از این نقشه راه، برخی کشورها

17. NHRS: National Human Rights System

18. Steven Jensen, Stéphanie Lagoutte and Sébastien Lorion, "the Domestic Institutionalisation of Human Rights: An Introduction," *Nordic Journal of Human Rights* 37, 3 (2019).

19. NHRI: National Human Rights Institution

20. ECOSOC: Economic and Social Council of the United Nations

21. ECOSOC Resolution 9/2 of 21 June 1946, Sec. 5.

22. United Nations Division of Human Rights, *Seminar on National and Local Institutions for the*

با کمک‌های سازمان ملل، اقدام به تأسیس نهادهای ملی کردند. در نتیجهٔ مراودات متعدد کشورها با ارکان سازمان ملل، نشست بین‌المللی رسمی در هفتم تا نهم اکتبر ۱۹۹۱ در پاریس برگزار شد که نتایج آن تحت عنوان «اصول پاریس در خصوص جایگاه نهاد ملی» در قطعنامهٔ کمیسیون حقوق بشر و متعاقباً قطعنامهٔ ۱۳۴/۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ به تصویب رسید. در سال‌های بعد، عملکرد سازمان ملل متحد در خصوص نهادهای ملی از جمله تشکیل رویدادهای متعدد قابل توجه بود. کارگاه‌های سازمان ملل برای مسائل حقوق بشر منطقهٔ آسیا و پاسفیک در ژانویهٔ ۱۹۹۳ در جاکارتا با محوریت تشکیل نهادهای ملی در این منطقه برگزار شد. جلسات مهم دیگری از جمله جلسهٔ نمایندگان نهادها و سازمان‌های ملی در تقویت مدارا و مقابله با نژادپرستی و تبعیض نژادی در آوریل ۱۹۹۳ در سیدنی برگزار شد.

کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در ۱۹۹۳ نقطه عطفی بود تا نظام جهانی حقوق بشر در خصوص نهادسازی داخلی کشورها الزاماتی را پیشنهاد دهد.^{۲۳} نظام بین‌المللی حقوق بشر در این کنفرانس به کشورها تجویز کرد که اقدامات ساختاری و فرایند ویژه‌ای را برای ارتقای حقوق بشر در سطح ملی انجام دهند. اعلامیه و برنامهٔ عمل وین به‌طور جدی خواستار تأسیس و تقویت نهادهای ملی حقوق بشر و تصویب برنامه‌های اقدام ملی حقوق بشر^{۲۴} شد. بندهای متعدد این اعلامیه به همکاری و تقویت ارتباط سازمان ملل با نهادهای ملی اشاره دارد.^{۲۵} بند ۷۱ در بند c اعلامیه در خصوص «همکاری، توسعه و تقویت حقوق بشر» به دولت‌ها توصیه می‌کند که کشورها برنامهٔ اقدام ملی تنظیم کنند.^{۲۶} این توصیه در خصوص طراحی برنامهٔ عملیاتی مرحله‌بندی‌شده برای هر کشور جهت پیشبرد و حمایت از حقوق بشر است. هم‌زمان با این کنفرانس به‌طور موازی یک جلسه در خصوص نهادهای ملی با هدف بررسی اهداف، الزامات اساسی و سازوکارهای آن برگزار شد. پس از کنفرانس وین، کارگاه دوم سازمان ملل در خصوص نهادهای ملی حمایت و ارتقای حقوق بشر در دسامبر همان سال با حضور ۲۸ نماینده از نهادهای ملی کشورها در تونس برگزار شد که منجر به تشکیل کمیتهٔ هماهنگی میان نهادهای ملی شد.

Promotion and Protection of Human Rights: ST/HR/SER.A/2, New York: UN Headquarters, 1978.

23. Lagoutte et al., *the Domestic Institutionalisation of Human Rights: An Introduction*, 167.

24. NHRAP: National Human Rights Action Plan

25. به‌عنوان نمونه می‌توان به بند (۸۴) اعلامیه و برنامهٔ عمل وین مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی حقوق بشر وین اشاره کرد: «۸۴- کنفرانس جهانی حقوق بشر تقویت فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان ملل متحد را برای پاسخگویی به درخواست‌های کمک از سوی کشورهایی که می‌خواهند نهادهای ملی خود را برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر ایجاد یا تقویت کنند، توصیه می‌کند».

26. بند (۷۱) اعلامیه و برنامهٔ عمل وین مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی حقوق بشر وین: «۷۱- کنفرانس جهانی حقوق بشر توصیه می‌کند که هر کشوری مطلوبیت تهیهٔ برنامهٔ اقدام ملی را در نظر بگیرد که مراحل را که به موجب آن دولت ارتقا و حمایت از حقوق بشر را بهبود می‌بخشد، شناسایی کند».

در ۲۰۰۲، نطق دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، کوفی عنان، نهادسازی داخلی حقوق بشر را وارد دوره جدیدی کرد و تحول جدید در نهادسازی داخلی را با مفهوم «نظام ملی حمایت از حقوق بشر»^{۲۷} توسعه داد. اگرچه او صرفاً از یک لفظ ساده استفاده کرد، خود بستری برای توسعه نهادسازی داخلی شد. او توقع جامعه بین‌المللی را از نهادسازی داخلی کشورها بالاتر برد. وی مبتنی بر تعهدی که دولت‌ها در اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد برای تقویت همه ظرفیت‌های موجود در داخل کشورها برای اجرای اصول و اعمال دموکراسی و رعایت حقوق بشر کرده بودند، به نهادسازی قوی در سطح کشور و استقرار و تقویت «نظام ملی حمایت حقوق بشر» توصیه می‌کند. او نظام ملی را «بازتاب هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر در داخل کشورها» تعریف و بیان می‌کند: «ایجاد نهادهای قوی حقوق بشر در سطح کشور، چیزی است که در درازمدت تضمین می‌کند که حقوق بشر به شیوه‌ای پایدار محافظت می‌شود و پیشرفت می‌کند. بنابراین استقرار یا تقویت سیستم حمایت ملی در هر کشور که منعکس‌کننده هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر است، باید هدف اصلی سازمان باشد».^{۲۸}

به همین ترتیب، نهادهای بین‌المللی دیگر به سمت رویکردهای سیستماتیک تضمین داخلی حقوق بشر حرکت کردند. مثلاً بیش از یک دهه است که یونیسف تقویت نظامات ملی حمایت از حقوق کودکان را به‌عنوان رویکرد کلیدی برای حمایت از آنان در اولویت قرار داده است.^{۲۹} شورای اروپا بر رویکرد سیستماتیک حقوق بشر تأکید دارد و در ۲۰۰۹ کتابچه راهنمایی برای سفیران اتحادیه اروپا تدوین می‌کند و در آن، ویژگی‌های نظام ملی حقوق بشر را برمی‌شمارد و سفر را تشویق می‌کند که از این مفهوم برای فرصتی در همکاری‌های بین‌المللی استفاده کنند. در این کتابچه راهنما، «نظام ملی حقوق بشر به مجموعه‌ای از قوانین، سیاست‌ها و نهادهای ملی دارای ابزار، ظرفیت و پشتوانه مناسب اطلاق می‌شود که به‌عنوان زیرساخت حقوقی، حقوق بشر را حمایت و ارتقا می‌دهد و شامل تمام کنترل‌ها و توازن‌های مورد نیاز برای اطمینان از پاسخگویی نهادهای دولتی و انجام وظایف خود برای احترام، حفاظت و حمایت از حقوق بشر است».^{۳۰}

از اوایل دهه نخست قرن جدید، سازمان ملل و خصوصاً کمیساریای عالی حقوق بشر، تلاش‌های فراوانی داشته است تا نظام ملی حقوق بشر را هم‌پای سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر با صراحت بیشتری ضروری جلوه دهد. کمیساریای عالی حقوق بشر، شورای حقوق بشر و رویه‌های ویژه آن از طریق اقدامات خود در سراسر جهان همواره بر ایجاد زیرساخت‌های عمومی حقوق بشر به‌صورت

27. National Human Rights Protection System.

28. United Nations Secretary General. *Strengthening of the United Nations: an agenda for further change: report of the Secretary-General: A/57/387* (New York: United Nations Headquarters, 2002).

29. UNICEF. "Child Protection Systems Strengthening." Last visited November 2, 2022. <https://www.unicef.org/documents/child-protection-systems-strengthening>.

30. *Strengthening the National Human Rights Protection System: Manual for Embassies of the EU Member States*. (The Netherlands: Human Rights Division of Ministry of Foreign Affairs, 2009) 20.

نرم برای تقویت اجرای حقوق بشر در سطح داخلی تأکید دارند. دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترش در ۲۰۱۷ تقویت نظام تضمین ملی حقوق بشر را به‌عنوان هدف اصلی همکاری سازمان ملل با کشورها برجسته می‌کند و عناصر کلیدی سازکارهای ملی را شامل تقویت سازکارهای ملی گزارش‌دهی، برنامه اقدام ملی حقوق بشر، نهاد ملی حقوق بشر، برنامه‌های اجرای توصیه‌ها و پارلمان‌ها می‌داند.^{۳۱}

در این مدل، هدایت عناصر نظام ملی حقوق بشر توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر صورت می‌گیرد. یکی از حقوق‌دانان، این هدایتگری را با عنوان «ارکستراسیون» نظریه‌پردازی کرده است و نهاد ملی را نهاد ارکستر و هماهنگ‌کننده دفتر کمیساریا و دولت متبوع می‌داند.^{۳۲}

برخی دیگر از این اثرگذاری‌ها به‌صورت سخت و غیرمستقیم از طریق کنوانسیون‌ها بوده است. پروتکل الحاقی کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون افراد دارای معلولیت بر ضرورت تشکیل ساختارهای عمومی رصد و اجرای آن در سطح ملی تأکید دارند.^{۳۳} یک جنبه دیگر از نهادسازی داخلی حقوق بشر به نهادهای رسمی و سازمان‌ها مربوط می‌شود. بخش دیگر، پذیرش عمومی و نهادهای اجتماعی هستند که استانداردهای حقوق بشر را بپذیرند. به همین دلیل است که یکی از کارکردهای نهادسازی، ایجاد زمینه اجتماعی و نهادی برای حقوق بشر است که این اتفاق در جوامع غیردموکراتیک به‌سختی رخ می‌دهد.^{۳۴}

بنابراین می‌توان گفت که امروزه نظام بین‌المللی حقوق بشر، ورود خود به تضمین حقوق بشر در داخل کشورها را منحصر به نهاد ملی حقوق بشر نکرده و تلاش کرده است با رویکرد نظام‌مند، پیشنهادها و توصیه‌هایی به دیگر بازیگران داخلی کشورها از جمله دولت‌ها و ساختار داخلی حاکمیت و جامعه مدنی داشته باشد.

۳. عناصر نظام ملی حقوق بشر

برخی مراکز تحقیقاتی و حقوق‌دانان به‌ندرت تلاش کرده‌اند عناصر اصلی نظام ملی حقوق بشر را برشمارند و برای هر کدام ضوابطی را تعیین کنند. کمیساریای عالی حقوق بشر در گزارشی هر نظام ملی حمایت از حقوق بشر را دارای شش ویژگی برشمرده است: «قوة قضائیه مستقل»، «مقامات مجری قانون که بر مبنای استانداردهای بین‌المللی کار می‌کنند»، «پارلمانی که به اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بشر کمک می‌کند و وظیفه نظارتی بر حقوق بشر دارد»، «نهاد ملی مؤثر

31. United Nations Secretary General, *Strengthening United Nations action in the field of human rights through the promotion of international cooperation and the importance of non-selectivity, impartiality, and objectivity* (New York: United Nations Headquarters, 2017) Para. 13-37.

32. Pegram, *Global Human Rights Governance and Orchestration: National Human Rights Institutions as Intermediaries*.

33. Lagoutte et al., *the Domestic Institutionalisation of Human Rights: An Introduction*, 178.

34. Simon Halliday and Patrick D. Schmidt, *Human Rights Brought Home: Socio-legal perspectives on human rights in the national context* (Oxford, Portland: Hart, 2004) 48.

و مستقل مبتنی بر اصول پاریس»، «نظام حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر» و «آزادی مدافعان حقوق بشر و رسانه‌ای حرفه‌ای برای تحقیقات».^{۳۵} کتابچه اتحادیه اروپا برای سفرای این اتحادیه، هشت عنصر برای نظام ملی حقوق بشر برشمرده است: «نهادهای ملی حقوق بشر (NHRIs)»، «نهادهای قضایی» مثل قوه قضائیه، دادستان و وکلا، «بخش امنیتی» شامل پلیس، نیروهای نظامی و نظام بازداشت و زندان، «پارلمان»، «دولت‌های مرکزی و محلی»، «قوانین داخلی»، «سیاست‌های حقوق بشری» شامل برنامه اقدام ملی حقوق بشر و آموزش حقوق بشر و «جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر».^{۳۶}

حقوق‌دانانی که در خصوص نهادسازی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی قلم نوشته‌اند، سازکارهای داخلی نهادسازی این دسته حقوق را شامل «پیش‌بینی حقوق در هنجارهای عالی و قانون اساسی»، «سیاست‌ها و قانونگذاری جامع»، «پیش‌بینی روش‌های جبران در دسترس و مؤثر قضایی اداری برای جبران خسارات» و «نهادهای ملی دارای اختیار و صلاحیت پایش و رسیدگی» می‌دانند.^{۳۷} یکی دیگر از حقوق‌دانان، وجود چهار خصیصه را شرط لازم نهادسازی داخلی حقوق بشر می‌داند: اساسی‌سازی استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، وجود نهادها و مراحل اداری، فایده‌مند بودن نهادهای ویژه حقوق بشر که ایجاد شده است و امکان سازکارهای جبران نقض حقوق بشر در نظام حقوقی.^{۳۸} یکی دیگر از حقوق‌دانان، نظام ملی حقوق بشر را دارای شش سطح دانسته است: «نظم در سطح قانون اساسی که حقوق بین‌الملل، حقوق بشر را بازتاب دهد»، «قانونگذاری که بر مبنای تعهدات قانونی بین‌المللی باشد»، «دادگاه‌هایی که بتوانند از قوانین بین‌المللی حقوق بشر استفاده کنند»، «نهادهای ملی حقوق بشر»، «ترتیبات پیشگیرانه برای جلوگیری از تعارضات احتمالی» و «ترتیبات آموزش حقوق بشر در مدارس و دانشگاه‌ها».^{۳۹} حقوق‌دانان دیگری، نظام ملی حقوق بشر را شامل سه عنصر اصلی «چارچوب‌ها» (اعم از معاهدات، حقوق نرم و سیاست‌ها، قانونگذاری و تنظیم‌گری)، «بازیگران» (اعم از بازیگران داخلی دولتی مستقل یا غیرمستقل و بازیگران غیردولتی) و «تعاملات» (به معنای فرایندهای رسمی که بازیگران را به هم مرتبط کند) دانسته است. او در ادامه تلاش می‌کند نظام ملی را به معنای تعاملات نهادهای دولتی و عمومی با یکدیگر از یک سو و نهادهای دولتی با غیردولتی از سوی دیگر از طریق گفتگو و

35. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Contribution of Parliaments to the Work of the Human Rights Council and its Universal Periodic Review* (New York: UN Headquarters, 2018).

36. *Strengthening the National Human Rights Protection System*, section 3.

۳۷. ایده، آسیبورن، کاتارینا کراوزه و آلن روساس، *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی* (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹)، ۱۰۸.

38. Halliday et al., *Human Rights Brought Home: Socio-legal perspectives on human rights in the national context*, 49.

39. Bertrand G. Ramcharan, "National Responsibility to Protect Human Rights," *Hong Kong Law Journal* 39,1 (2009): 361.

همکاری آن‌ها با هم (روابط افقی) و ارتباط هر دو نهاد با مکانیسم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر (روابط عمودی) تعریف کند.^{۴۰}

به جهت اینکه مشاهده می‌شود نظام بین‌المللی حقوق بشر در خصوص عناصر نظام بین‌المللی حقوق بشر به چه توصیه‌هایی متوسل شده است، در ادامه از دسته‌بندی مورد استفاده «مؤسسه دانمارکی حقوق بشر» در تشریح مفهوم و عناصر نظام ملی حقوق بشر در بخش آموزش تارنمای خود، از جهت اینکه تقسیم‌بندی جامع و کاملی را طراحی کرده است، وام گرفته می‌شود.^{۴۱} نکته قابل توجه این است که دکتربندی حقوقی و اسناد مختلف بین‌المللی اعم از معاهدات حقوقی بشری تا توصیه‌نامه‌ها و نقشه‌های راه از سوی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، استانداردهای متعددی را برای هر یک از بازیگران و نهادهای حقوق بشری پیش‌بینی کرده‌اند که طرح مشروح آن از حوصله این تحقیق خارج است. به همین دلیل، صرفاً جایگاه آنان و برخی استانداردها به‌عنوان نمونه بیان می‌شود تا به خیز مراجع بین‌المللی برای ورود به عناصر حاکمیت ملی کشورها اشاره شود.

۳-۱. بازیگران دولتی و رسمی

بازیگران دولتی همچنان در مرکز اجرای ملی حقوق بشر قرار دارند. پارلمان‌ها، دادگاه‌ها، نهادهای ملی حقوق بشر، نیروهای امنیتی، دولت‌های مرکزی و محلی، نقشی محوری در حمایت و ارتقای حقوق بشر در سطح داخلی ایفا می‌کنند. علت این اهمیت در آن است که از یک جهت، دولت با قدرت در هم آمیخته است و این درهم‌آمیختگی امکان نقض حقوق بشر را از سوی دولت بیشتر می‌کند و از جهت دیگر اینکه مهم‌ترین طرف رابطه حق و تکلیفی در روابط حقوق بشری، دولت است و اوست که حامی و تسهیل‌گر تضمین حقوق بشر افراد در یک کشور است.

یکی از ضروریات اجرای حقوق بشر در داخل کشورها، وجود تضمینات نهادی در داخل کشورها است. از همین جهت میان حقوق بشر و دموکراسی پیوند ناگسستنی برقرار است و دموکراتیک بودن نهادهای دولتی مورد توجه است.^{۴۲} به همین دلیل، اصل حاکمیت قانون، تفکیک قوا، استقلال قوه قضائیه، نظارت دادرسی اساسی و مانند آن از لوازم تضمین حقوق بشر در کشورها است.

الف. نهاد ملی حقوق بشر

«نهاد ملی حقوق بشر، توسط دولت در چارچوب قانون اساسی، قوانین عادی یا حکم دولتی تأسیس

40. Lagoutte, et al., *the Domestic Institutionalisation of Human Rights: An Introduction*, 183-85.

41. The Danish Institute for Human Rights. "National Human Rights Systems." Last visited April 25, 2023. https://humanrightseducation.dk/Intro_to_HR/National_HR_systems/story_html5.html.

42. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Human Rights and Constitution Making* (New York: UN Headquarters, 2018).

می‌شود و کارکرد آن به‌طور خاص در زمینه ارتقا و حمایت از حقوق بشر است.^{۴۳} اگرچه در احترام و ارتقای حقوق بشر، دولت‌ها مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عناصر برای بررسی و مطالعه هستند، نهادهای ملی حقوق بشر، کاتالیزور ارتقای حقوق بشر در نظام ملی محسوب می‌شوند.^{۴۴} به عبارت دقیق‌تر، نهادهای ملی به‌عنوان عنصر کلیدی نظام ملی حقوق بشر، نهاد واسط در دو رابطه افقی و عمودی هستند. نهاد ملی از یک طرف، نهاد واسط میان مردم و دولت است تا حقوق بشر مورد حمایت و احترام قرار گیرد و از طرف دیگر، نهاد واسط میان جامعه با مراجع بین‌المللی است. چنانکه قبلاً بیان شد، برخی نهاد ملی را نهاد هماهنگ‌کننده نظام بین‌المللی حقوق بشر و مشخصاً کمیساریای عالی حقوق بشر در داخل کشورها می‌دانند. به عبارت دقیق‌تر، نهادهای ملی ابزار ارکستراسیون و اعمال حاکمیت غیرمستقیم و نرم نظام بین‌المللی حقوق بشر در داخل کشور محسوب می‌شوند.^{۴۵}

حوزه نفوذ نهادهای ملی در بازیگران دولتی در نظام ملی حقوق بشر از جمله قوای سه‌گانه قابل توجه است. نهادهای ملی در خصوص قوه مجریه، هم نقش مشورت‌دهی و هم نظارتی دارد و عموم شکایات شهروندان ناظر بر عملکردهای این قوه است. از طرف دیگر، پارلمان‌ها عموماً نماینده اکثریت هستند و بسیاری نواقص حقوق بشر را متوجه نمی‌شوند. اینجا نهاد ملی می‌تواند نقش عمده ایفا کند. نهادهای ملی و کمیته‌های پارلمانی به‌تنهایی در تهیه و ارتقای گزارش‌های خود دچار نقص هستند. به همین دلیل، پیشنهادها عملی از سوی برخی حقوق‌دانان مطرح شده است: فراهم کردن ترتیبات ارائه شواهد از سوی نهادهای ملی به کمیته‌های پارلمان در مواقع نیاز، دعوت از نمایندگان پارلمان برای شرکت در رویدادها و کارگاه‌های نهادهای ملی، شرکت اعضای نهاد ملی در جلسات توجیهی کمیسیون‌ها، دعوت از نمایندگان پارلمان برای ارائه مدارک در خصوص گزارش‌های عمومی که نهاد ملی انجام می‌دهد.^{۴۶} نهادهای ملی موظف‌اند در ایفای وظیفه بررسی شکایات در صورت واردانستن آن‌ها، گزارش‌های لازم را به مراجع مربوط ارجاع بدهند. یکی از مهم‌ترین نهادهای ارجاع‌شونده، قوه قضائیه است. ممکن است صلاحیت نهاد ملی از جنبه‌های مهم، فراتر از موضوعاتی باشد که دادگاه‌ها قادر به قضاوت در مورد آن‌ها هستند زیرا بسیاری از موارد نقض حقوق بشر به بیان دقیق، «غیرقانونی» نیستند اما اغلب شامل اعمال تبعیض آمیز، سب و یا ترک فعل می‌شوند که ممکن است ناقض هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر باشند. یکی از مزایای اصلی نهاد ملی این واقعیت است که آن‌ها نسبت به دادگاه‌ها روشی مقرون به‌صرفه‌تر و در دسترس‌تر

43. United Nations Centre for Human Rights, Rights. *National human rights institutions: A handbook on the establishment and strengthening of national institutions for the promotion and protection of human rights. Professional training series: no.4*, 6.

44. Lagoutte, et al., *the Domestic Institutionalisation of Human Rights: An Introduction*, 182.

45. Pegram, *Global Human Rights Governance and Orchestration: National Human Rights Institutions as Intermediaries*.

46. Brian Burdekin and Jason Naum, *National human rights institutions in the Asia Pacific Region* (The Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, 2007) 66.

برای حل تخصصی هستند زیرا قادر به بررسی شکایات بدون اعمال قوانین رسمی و در برخی موارد، بررسی سفت و سخت شواهد هستند و توانایی آن‌ها برای پیشبرد غیررسمی به این معنی است که اغلب کمتر از تشریفات مربوط به دادگاه‌ها برای شاکیان ارعاب دارند.^{۴۷}

ب. نهادهای معاهده‌محور

اگرچه نقش اصلی معاهدات حقوق بشری، به رسمیت شناختن حق‌های بشری در قالب هنجارهای حقوقی است، برخی اسناد بین‌المللی به صورت تبعی، نهادهایی را در سطح ملی پیش‌بینی کرده‌اند تا اجرای مفاد معاهده را پیگیری کنند و به عنوان نهاد تخصصی مستقیماً با نهاد معاهده‌محور متناظر در سطح بین‌المللی ارتباط داشته باشند. از میان اسناد حقوق بشری، دو کنوانسیون به ضرورت وجود مرجع ملی اشاره دارند. کنوانسیون منع شکنجه در این مسیر پیشگام بوده است. بر اساس پروتکل اختیاری این کنوانسیون مصوب ۲۰۰۲ کشورها باید سازکارهای پیشگیری ملی را تعیین و اجرا کنند. همچنین کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ به مرجع ملی این کنوانسیون و سازکارهای مستقل اشاره کرده است. پیش از این، معاهدات حقوق بشر تنها شامل سازوکارهای نظارتی بین‌المللی بود.

ج. پارلمان

پارلمان یکی از مهم‌ترین نهادهای رسمی حاکمیتی در کشورها است و به همین جهت، توصیه‌های فراوانی برای ارتقای حقوق بشر در سطح سازمان ملل به آن‌ها شده است. اتحادیه بین‌پارلمانی^{۴۸} که رابطه نزدیکی با سازمان ملل دارد، تلاش می‌کند در سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر ایفای نقش داشته باشد و پارلمان‌های دنیا را به تصویب معاهدات بین‌المللی و دیگر امور مورد نیاز تشویق کند. اما در جدیدترین اقدام، کمیساریای عالی حقوق بشر، بنا بر قطعنامه ۲۹/۳۵ شورای حقوق بشر که از او خواسته بود مطالعه‌ای را در خصوص تقویت و افزایش هم‌افزایی پارلمان‌ها در فعالیت‌های شورای حقوق بشر و گزارش‌های بررسی دوره‌ای جهانی (UPR) به این شورا ارائه کند، گزارش مفصلی شامل توصیه‌هایی در خصوص تشکیل کمیته حقوق بشر پارلمانی و تقویت تعامل با سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر تهیه می‌کند. این گزارش، علاوه بر نقش مهم پارلمان در بازخورد پیشرفت‌ها و نگرانی‌های حقوق بشری در قانونگذاری و تدوین طرح اقدام عملی (NHRAP) و ارتباطش با دیگر عناصر نظام ملی حمایت حقوق بشر، بر تعامل پارلمان با سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر از طریق انتقال نگرانی‌ها و مشارکت در تهیه گزارش‌های جدا از مشارکت

47. Ibid., 68-69.

48. Inter-Parliamentary Union (IPU)

رسمی دولت‌ها تأکید می‌کند، چرا که بیش از پنجاه درصد از توصیه‌های یو.پی.آر کشورها به نوعی به یکی از کارکردهای قانونگذاری، تصویب بودجه و نقش نظارتی او بازمی‌گردد.^{۴۹}

در گزارش مذکور، کمیته‌ای تخصصی برای حقوق بشر تحت عنوان کمیته حقوق بشر پیشنهاد شده تا مجموعه اقدامات و کارکردهایی را برای تعامل با بازیگران داخلی و بین‌المللی نظام ملی حقوق بشر برای وظایف پارلمان بر اساس استانداردهای حقوق بشر در نظر بگیرد. کمیته حقوق بشر پارلمان‌ها مهم‌ترین نهاد و رکن گزارش‌کننده کمیساری عالی حقوق بشر در اصول پیش‌نویس پارلمان و حقوق بشر است. در ضمیمه نخست این گزارش مشتمل بر ۹ بند مفصل، پیش‌نویسی از اصول حاکم بر روابط پارلمان و حقوق بشر ذکر شده که متأثر از اصول پاریس در خصوص نهادهای ملی حقوق بشر است و این موضوع نشان می‌دهد که سازمان ملل به دنبال برداشتن گام دیگری برای ارتقای بازیگران داخلی مستقل است.^{۵۰} «اصول پیش‌نویس پارلمان و حقوق بشر» به عنوان راهنمای پارلمان‌ها در ضمیمه نخست این گزارش آمده است. در این بخش، ابتدا به مأموریت کمیته حقوق بشر که گستره مأموریت او شامل همه حقوق‌های بشری بین‌المللی و داخلی است، و سپس به مسئولیت‌ها و کارکردهای این کمیته اشاره می‌شود که فهرست بلندبالایی از وظایف او را در دو بخش کلی و بخش مربوط به نظام بین‌المللی حقوق بشر ارائه می‌کند. نهایتاً نیز به ترکیب و روش‌های کاری این کمیته اشاره می‌شود که بیان شد مشابه نهادهای ملی حقوق بشر است.^{۵۱}

د. دادگاه‌ها و قوه قضائیه

دستگاه‌های قضایی نقش کلیدی در تضمین پاسخگویی، رسیدگی به مصونیت از مجازات و تضمین جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بشر دارند. همچنین نهادهای دادرسی اساسی مستقل که عموماً ذیل قوه قضائیه تعریف می‌شوند، وظیفه بررسی انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی و تعامل بین‌المللی و منطقه‌ای دولت در زمینه حقوق بشر را دارند. دادستانی نیز نقش مهمی در پیشگیری و جبران نقض‌های حقوق بشری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دارد.

برخی استانداردهای حقوق بشری مانند اصول برابری در برابر قانون، اصل برائت و حق رسیدگی عادلانه و علنی توسط دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف برای دستگاه قضایی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی بیان شده است.

مهم‌ترین استانداردها برای قضات و وکلا در مورد حقوق بشر، «اصول اساسی سازمان ملل در

49. OHCHR, *Contribution of Parliaments to the Work of the Human Rights Council and its Universal Periodic Review*, para 57-60.

50. Kirsten Roberts Lyer, "Parliaments as Human Rights Actors: The Potential for International Principles on Parliamentary Human Rights Committees," *Nordic Journal of Human Rights* 37, 3 (2019).

51. OHCHR, *Contribution of Parliaments to the Work of the Human Rights Council and its Universal Periodic Review*, annex 1.

مورد استقلال قوه قضائیه» و همچنین «اصول اساسی سازمان ملل در مورد نقش و کلا» است که به ترتیب در ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ در کنگره پیشگیری از جرم و برخورد با مجرمین سازمان ملل در میلان، ایتالیا و هاوانای کوبا تصویب شد. در این دو سند، اصول و موضوعاتی از قبیل استقلال قوه قضائیه، آزادی بیان و تشکل، صلاحیت، انتخاب و آموزش، شرایط خدمت و تصدی، رازداری و مصونیت حرفه‌ای و انضباط، تعلیق و حذف قضات مطرح شده است.^{۵۲} همچنین این کنگره در همان نشست هاوانا، رهنمودهایی در خصوص نقش دادستانی در فصولی مانند صلاحیت، انتخاب و آموزش، وضعیت و شرایط خدمت، آزادی بیان و تشکل، نقش دادستان در دادرسی کیفری، توابع اختیاری، جایگزین‌های پیگرد قانونی، روابط با سایر نهادهای دولتی، اقدامات انضباطی و همچنین رعایت دستورالعمل‌ها مطرح می‌کند.^{۵۳} اصول بنگلور در مورد رفتار قضایی نیز از دیگر اسناد مهم کمتر شناخته شده است که در ۲۰۰۶ توسط اکوسوک به تصویب می‌رسد که به ارزش‌هایی از قبیل استقلال، بی‌طرفی، یکپارچگی قوه، حفظ شأن رفتاری قاضی، برابری و همچنین صلاحیت و پشتکار قاضی و نحوه اعمال آن‌ها اشاره می‌شود.^{۵۴}

هـ دولت مرکزی و محلی

طراحی یک نظام ملی حقوق بشر قوی در کشور به این دلیل که از اختیارات دولت مرکزی می‌کاهد، چندان مورد استقبال دولت‌ها قرار نمی‌گیرد. از طرف دیگر، بسیاری استانداردها که توسط دولت مرکزی اعلام می‌شود، در بخش‌ها توسط دولت‌های محلی اجرا نمی‌شود و مورد اعتراض آن‌ها قرار می‌گیرد.

مطالعه انواع رژیم‌های سیاسی از حیث تفکیک عمودی قدرت نشان می‌دهد تضمین بیشتر حقوق بشر با تمرکززدایی مرتبط است، چون در مدل‌های بسیط که فاصله زیادی میان دولت مرکزی و مردم خصوصاً در حاشیه‌ها وجود دارد، اطلاع مقامات از نیازها و نقض‌های حقوق بشر به حداقل می‌رسد. البته تمرکززدایی به تنهایی به معنای بهبود حقوق بشر نیست. در برخی موارد اگر فرهنگ فساد، قیومیت، پدرسالاری و عدم مسئولیت‌پذیری دست‌نخورده بماند، ممکن است منجر به ناتوانی بیشتر جوامع محلی و گروه‌های محروم شود. با این حال، زمانی که تمرکززدایی با

52. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Basic Principles on the Independence of the Judiciary*. Milan: The Seventh United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1985; United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Basic Principles on the Role of Lawyers*. Havana: The Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1990.

53. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Guidelines on the Role of Prosecutors* (Havana: The Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1990).

54. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). *Bangalore Principles of Judicial Conduct* (Vienna: United Nations Office, 2006).

مسئولیت‌پذیری قوی‌تر، مشارکت مدنی بیشتر، نمایندگی دموکراتیک، افزایش ارائه خدمات، افزایش شفافیت و فساد کمتر همراه باشد، می‌تواند سهم عمده‌ای در حقوق بشر داشته باشد. بنابراین رویکرد مبتنی بر حقوق بشر برای تمرکززدایی از اهمیت حیاتی برخوردار است.^{۵۵} به همین جهت، با توجه به اینکه رژیم‌های سیاسی و نظام اداری کشورها متفاوت است، می‌توان اصول مشترکی را در نسبت روابط دولت مرکزی و محلی با حقوق بشر پیش‌بینی کرد.

و. پلیس و نیروهای امنیتی

پلیس پاسخگو و مسئول، عنصر حیاتی در نظام ملی حقوق بشر است. پلیس هم نقش حمایتی از حقوق بشر در مبارزه با مصونیت مجرمان دارد و می‌تواند آزادی بیان را تسهیل کند و هم خودش می‌تواند ناقض حقوق بشر باشد. البته به دلیل برخورد پلیس با شرایط سخت و جرایم خشونت‌آمیز ممکن است برخی نقض‌ها توجیه و در قبال آن، حقوقی برای پلیس پیش‌بینی شود.^{۵۶} دلیل نقض‌های حقوق بشری پلیس، ناآگاهی آنان از استانداردهای حقوق بشری نیست، بلکه می‌تواند ناشی از شکاف‌های پاسخگویی و وظایف نامشخص در چارچوب قوانین و مقررات، ضعف یا عدم تمایل اجرایی یا فقدان سازکارهای نظارتی مستقل و مؤثر داخلی و خارجی مانند قوه قضائیه ضعیف یا فاسد باشد. نیروهای نظامی تنها تا حدی با نظام ملی حقوق بشر مرتبطند زیرا هدف اصلی آن‌ها دفاع از کشور در برابر تهاجم خارجی است. با این حال، ارتش در زمینه حقوق بشر به‌ویژه از طریق دخالت در درگیری‌های داخلی یا زمانی که برای انجام وظایفی که معمولاً با پلیس مرتبط است، بر نظام ملی حقوق بشر تأثیر می‌گذارد. ارتش اغلب به سرکوب یا محافظت از منافع صاحبان قدرت می‌پردازد. ممکن است ارتش از بازیگران مختلفی از جمله نیروهای ویژه، شبه‌نظامی، واحدهای اطلاعاتی و مدیریت مرزی تشکیل شود. البته دیگر مسائل مربوط به حوزه نظامی و رعایت حقوق بشر به مسائل مربوط به حقوق بشردوستانه بازمی‌گردد که خارج از موضوع مقاله است.

دو سند مهم در خصوص نسبت پلیس و حقوق بشر وجود دارد: نخست، آیین‌نامه رفتار برای مقامات مجری قانون که مجمع عمومی قطعنامه آن را در ۱۹۷۹ به تصویب رساند. این قطعنامه هشت ماده‌ای به حقوق افراد در حین انجام وظیفه (ماده ۲)، حد مجاز استفاده از زور در موارد کاملاً ضروری و در حدود وظایف قانونی (ماده ۳)، رعایت محرمانگی جز در موارد مورد نیاز دستگاه عدالت (ماده ۴)، ممنوعیت مطلق شکنجه (ماده ۵)، حفظ حقوق بازداشتی‌ها (ماده ۶)، ممنوعیت ارتکاب هرگونه فساد و مبارزه با آن (ماده ۷)، مبارزه با بی‌قانونی و گزارش آن (ماده ۸) اشاره می‌کند.^{۵۷}

55. *Strengthening the National Human Rights Protection System*, 83–84.

56. *Ibid.*, 61.

57. United Nations General Assembly. *Code of Conduct for Law Enforcement Officials* (New York: UN Headquarters, 1979).

نظرات تفسیری ذیل آن وجود دارد که به شرح مواد این قطعنامه پرداخته است. سند دوم، اصول اساسی سازمان ملل در استفاده از زور و سلاح گرم است که در نشست کنگره پیشگیری از جرم و برخورد با مجرمین سازمان ملل در ۱۹۹۰ در هاوانای کوبا به تصویب رسید. در این سند به موضوعاتی از جمله نظارت بر تجمعات غیرقانونی و افراد بازداشت‌شده، صلاحیت‌ها، آموزش و مشاوره و همچنین مراحل گزارش‌دهی و رسیدگی اشاره شده است.^{۵۸}

۳-۲. بازیگران غیردولتی و جامعه مدنی

اگر در حقوق بین‌الملل کلاسیک صرفاً دولت‌ها از تابعان حقوق بین‌الملل بوده‌اند، در حقوق بین‌الملل معاصر خصوصاً در نظام بین‌الملل حقوق بشر، افراد و جامعه مدنی به یکی از تابعان مستقل حقوق بین‌الملل، هرچند به نحو محدود تبدیل شده‌اند.^{۵۹} جامعه مدنی آزاد، مستقل و فعال که در آن زنان و مردان به‌طور برابر مشارکت داشته باشند، عنصر کلیدی در نظام ملی حقوق بشر است. جامعه مدنی در برابر یک دولت قدرتمند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در توسعه مشارکت و در سه امر نقش مهمی ایفا می‌کند: (۱) مشارکت در قانونگذاری، سیاستگذاری و ارائه نظر در مورد آن‌ها؛ (۲) نظارت و گزارش‌دهی از موارد نقض حقوق بشر و طرح پرونده اشخاص؛ (۳) افزایش آگاهی جامعه از مسائل حقوق بشری.^{۶۰} جامعه مدنی شامل سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز آکادمیک، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، رسانه‌ها و اتحادیه‌های تجاری و رهبران گروه‌های اجتماعی، جدا از آنکه باید در داخل حاکمیت جایگاه خود را پیدا کند و در امور مختلفی مثل نظارت بر دولت، ارائه راهکار و مشورت با قوای حکومتی و ترویج حقوق بشر ایفای نقش کند، در نظام بین‌المللی حقوق بشر مؤثر است. مهم‌ترین ویژگی مشترک همه بازیگران غیردولتی، حفظ استقلال و تعهد مسئولانه آنان در قبال استانداردهای حقوق بشری است. به همین جهت، به دولت‌ها توصیه می‌شود که نه تنها مانع فعالیت آنان نشوند و خواسته‌های خود را بر آنان تحمیل نکنند، بلکه در حمایت از آنان در جهت حفظ بقای آن‌ها، استقلال و آزادی رفتار آنان را نقض نکنند. استانداردهای متعددی در خصوص بازیگران غیردولتی موجود است که مجال شرح آن نیست.

۳-۳. چارچوب‌های قانونی

قوانین و مقررات داخلی به‌عنوان بازتاب تعهدات نظام بین‌المللی حقوق بشر، چارچوب هنجاری و محتوایی نظام ملی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد که به‌طور مختصر به این عناصر اشاره می‌شود.

58. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials* (Havana: The Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1990).

59. توموشات، کریستیان، حقوق بشر، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱)، ۴۱۱.

60. *Strengthening the National Human Rights Protection System*, 91.

الف. اسناد حقوق بشری

به‌جز اسناد بنیادین و اصلی حقوق بشر، استانداردهای بین‌المللی دیگری در قالب حقوق نرم^{۶۱} از جمله دستورالعمل^{۶۲}، اعلامیه^{۶۳} یا کدهای رفتاری^{۶۴} وجود دارد که با وجود فقدان الزام قانونی در اجرا، با این هدف صادر می‌شود که در نظام حقوقی داخلی کشورها وارد شود. در بخش‌های قبلی در خصوص بازیگران دولتی و غیردولتی، برخی از این استانداردها بیان شد. اما آنچه برای دولت‌ها مسئولیت و تعهد حقوقی می‌آورد، معاهدات حقوق بشری است که با الحاق دولت‌ها شناسایی می‌شود.

ب. قانون اساسی

قوانین اساسی به‌عنوان هنجار عالی حقوقی همه نظام‌های حقوقی، عموماً دربردارنده حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم، نحوه تضمین اجرای حقوق بشر و دادخواهی و جبران خسارت شهروندان در قبال نقض حقوق‌شان هستند.

میزان ورود مراجع بین‌المللی در تدوین قانون اساسی به نحوی است که توصیه می‌کند تدوین‌کنندگان قانون اساسی نه‌تنها باید اطمینان حاصل کنند که منشور حقوق به‌طور صریح با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در تضاد نیست، بلکه باید از فرمول‌بندی‌هایی که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تفسیرهای قانونی برخلاف آن استانداردها استفاده شود، اجتناب کنند و در نهایت، فصل حقوق بشر قانون اساسی باید به‌عنوان وسیله‌ای برای اجرای بهینه حقوق بشر بین‌المللی در نظر گرفته شود.^{۶۵} عناصر مهم قانون اساسی که با نگاه حقوق بشر باید منطبق بر استانداردهای جهانی باشد، عبارت‌اند از دارندگان حق، دارندگان تکلیف، اصول بنیادین، دسته‌بندی حقوق و آزادی‌ها، جواز محدودیت حق‌ها و وضعیت اضطراری، تکالیف حقوقی افراد.^{۶۶}

بازنگری در قانون اساسی یکی از مهم‌ترین سازکارهای مهمی است که می‌تواند حقوق بشر را ارتقا دهد. استانداردها و اسناد جهانی و منطقه‌ای هر میزان توسعه پیدا کند، اثرش به اندازه تغییر در قانون اساسی نیست.^{۶۷} سازمان ملل متحد در خصوص بازنگری قانون اساسی و تهدیداتی که در نظام ملی حقوق بشر مرتبط با قانون اساسی است، ورود کرده است.^{۶۸} سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات در قانون اساسی ورود کرده است. دبیرکل این سازمان دو بار برای آیین‌های نگارش قانون اساسی و

61. Soft Law

62. Guideline

63. Declaration

64. Codes of Conduct

65. OHCHR, *Human Rights and Constitution Making*, 34.

66. *Ibid.*, 44-95.

67. Thomas Trier Hansen, *The constitutional protection of human rights* (Copenhagen: Danish Institute for Human Rights, 2012) 28-29.

68. *Ibid.*

بازنگری آن در ۲۰۰۹ و ۲۰۲۰ یادداشت راهبری نگاشته و دولت‌ها را برای تطبیق بیشتر قانون اساسی با استانداردهای جهانی حقوق بشر تشویق کرده است.^{۶۹} [Click or tap here to enter text.](#)

ج. برنامه ملی اقدام برای پیشبرد حقوق بشر

برنامه ملی اقدام برای پیشبرد حقوق بشر (NHRAP) همزاد نهاد ملی حقوق بشر بوده و از جمله نهادهایی است که دولت را به سوی تضمین حقوق بشر توسط مراجع بین‌المللی ترغیب می‌کند. برنامه ملی اقدام به این جهت پیشنهاد شده است تا دولت‌ها خودشان برای ایجاد تحول مثبت، اقدام عینی به عمل آورند. با توجه به اینکه هر کشوری اقتضائات خود را دارد، مانند بسیاری سازکارهای دیگر نمی‌توان برای همه کشورها نسخه یکسانی تجویز کرد و هر کشوری متناسب اقتضائات سیاسی فرهنگی خود، دست به تهیه یک برنامه جامع ملی زده و سپس آن را اجرایی نموده و بر آن نظارت و ارزیابی می‌کند.^{۷۰} اگرچه برنامه ملی اقدام، سند ملی محسوب می‌شود، دارای ویژگی‌هایی است که هماهنگی و تعاملات کشور با مراجع بین‌المللی را حفظ می‌کند؛ از جمله اینکه برنامه ملی اقدام باید تعهد به موازین جهانی حقوق بشر و اجرای آن را دارا باشد.^{۷۱} همچنین در تهیه آن، نقش نهاد ملی حقوق بشر که دارای رابطه عمودی با مراجع بین‌المللی است، کلیدی است.

د. قوانین و سیاست‌های موضوعی

حقوق بشر غالباً به‌عنوان بخشی از حقوق اساسی شناخته می‌شود اما در همه بخش‌های حقوقی از جمله حقوق خصوصی مانند حقوق خانواده، ارث و مانند آن و همچنین حقوق جزا اثرگذار است. همچنین نظام حقوقی نیازمند قوانین موضوعی خاص است که بر برخی حقوق تأکید کند یا از حقوق و آزادی‌های گروهی خاص مانند کودکان یا اقلیت‌ها حمایت ویژه کند. وقتی کشورها به معاهده‌ای می‌پیوندند، صرف تصویب آن در پارلمان یا امضای آن کفایت نمی‌کند، بلکه باید آن را به‌صورت مؤثر در قوانین ملی جای دهند و تمام موانع اجرای آن را برطرف کنند. یکی دیگر از هنجارهای حقوقی در سلسله‌مراتب قوانین و مقررات، سیاست‌ها است. سیاست‌های موضوعی مانند سیاست‌های عدم تبعیض جنسیتی یا سیاست‌های مربوط به آموزش حقوق بشر می‌تواند جهت‌دهنده به قوانین و مقررات عادی و همچنین برنامه‌ریزی‌های دولت و بودجه‌بندی‌ها باشد.

69. United Nations Secretary General. *Guidance Note of the Secretary-General: United Nations Assistance to Constitution-Making Processes* (New York: UN Headquarters, 2009); United Nations Secretary General. *Guidance Note of the Secretary-General on United Nations Constitutional Assistance* (New York: UN Headquarters, 2020).

70. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Handbook on National Human Rights Plans of Action* (New York and Geneva: United Nations Headquarters, 2002).

71. *Ibid.*, 14-17.

۳-۴. فرایندها

بخش دیگری از عناصر نظام ملی حقوق بشر، فرایندها است. منظور از فرایندها، ارتباطات نهادسازی شده‌ای است که میان بازیگران دولتی و غیردولتی با یکدیگر و هر دوی آن‌ها با مراجع بین‌المللی وجود دارد.^{۷۲} فرایند نظارت بازیگران دولتی از سوی مراجع نظارتی حاکمیتی، آموزش حقوق بشر و پاسخگویی دولت مرکزی به کمیته‌های معاهده‌محور سازمان ملل متحد به ترتیب سه مثال از فرایندهای مذکور هستند.

نتیجه

توصیف بالا از نهادسازی داخلی نوین حقوق بشر با تأکید بر «نظام ملی حقوق بشر» که به روابط دولت و مردم و روابط درون حاکمیت و روابط آن‌ها با سازکارهای بین‌المللی می‌پردازد، قرابت زیادی به تعریف دانش حقوق عمومی دارد. این تعبیر به معنای تحول بنیادین در مبادی نظری این شاخه علمی است. توسعه «نهاد ملی» به «نظام ملی حقوق بشر»، یک اتفاق شکلی ساده نیست، بلکه مفهوم حاکمیت را دگرگون می‌کند و بیش از هر چیز استقلال کشورها را هدف قرار می‌دهد. نهادسازی داخلی با تأکید بر نظام ملی حقوق بشر، همراه با خود، «شهروند جهانی» و «جامعه مدنی جهانی» را در پی دارد. ارتباط و پیوستگی نظارت‌های بین‌المللی تا سطح ملی و حرکت به سمت جهانی شدن موجب شده است که تضمین حقوق بشر در نظامات داخلی کشورها تماماً به دولت‌ها واگذار نشود و سازمان ملل بتواند در حاکمیت دولت‌ها دخالت کند. علی‌رغم وجود اصل بنیادین حقوق بین‌الملل مبنی بر عدم مداخله دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر، توسعه نهادسازی داخلی موجب رنگ‌باختن این اصل حقوق بین‌المللی است و این چالش برای کشورهایی که دارای نوعی تحفظ در حل شدن در نظام بین‌المللی حقوق بشر هستند، مورد توجه است.

آنچه اهمیت دارد، آن است که دانسته شود، «نهادسازی داخلی تضمین حقوق بشر» در خدمت تبدیل شدن جهان موجود به سوی تشکیل جامعه مدنی جهانی است. مراجع بین‌المللی، دیگر به شکل کلاسیک صرفاً با توسل به ابزارهای سخت به دنبال تحمیل ارزش‌های مدرن نیستند، بلکه این هدایت و دخالت توسط سازمان‌های بین‌المللی با محوریت دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر به صورت نرم در حال وقوع است و تلاش دارد با فرهنگ‌سازی از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی خود مانند یونسکو و همچنین نهادسازی داخلی حقوق بشر مانند نهادهای ملی حقوق بشر و جامعه مدنی، استانداردهایی فراملی را بر نظام داخلی کشورها تحمیل و از این طریق، حاکمیت دولت‌ها را محدود کند. طبیعتاً این مسئله به‌عنوان معمای اصلی نظام حقوقی و سیاسی ایران در پژوهش‌های آتی قابل مطالعه است که آیا رویه فعلی در مواجهه با نظام بین‌الملل بشر با تحول جدید نهادسازی داخلی حقوق بشر تناسب دارد یا خیر.

منابع:

الف. فارسی

۱. اسلامی، رضا. آیا حقوق بشر؟ راهنمای هنجاری حقوق مدنی سیاسی برای توانمندی و مطالبات جامعه مدنی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
۲. ایده، آسیبورن، کاتارینا کراوزه و آلن روساس. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
۳. پروین، خیرالله. حقوق بشر از نظر تا عمل. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
۴. توموشات، کریستیان. حقوق بشر: مبانی نظری، تحولات تاریخی و سازوکارهای اجرایی. ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
۵. «حقوق بشر در جهان امروز: اولیتی برای سازمان ملل متحد». تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ش. ۱، بی‌تا.
۶. زمانی، سیدقاسم، امیرساعد و کیل و پوریا عسکری. نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر. ویراست دوم، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴.
۷. شریفی طرازکوهی، حسین. حقوق بشر: ارزش‌ها و واقعیت‌ها، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.

ب. انگلیسی

- Books

1. Burdekin, Brian, and Jason Naum. *National human rights institutions in the Asia Pacific Region*. The Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, 2007.
2. Halliday, Simon, and Patrick D. Schmidt. *Human Rights Brought Home: Socio-legal perspectives on human rights in the national context (Human rights law in perspective: v. 3)*. United States of America: Hart Publishing, 2004.
3. Lagoutte, Stéphanie, Sebastien Lorion, and Steven L. B. Jensen. *The Domestic Institutionalisation of Human Rights*. London: Routledge, 2021.
4. Risse, Thomas and Stephen C. Ropp. "Introduction and overview." In *The Persistent Power of Human Rights: From Commitment to Compliance*, edited by Thomas Risse, Stephen C. Ropp and Kathryn Sikkink, 3-25. United Kingdom: Cambridge University Press, 2013.
5. Sinha, P. C., *Encyclopedia of Human Rights*, New Delhi: Anmol Publications, 2002.
6. *Strengthening the National Human Rights Protection System: Manual for Embassies of the EU Member States*. The Netherlands: Human Rights Division of Ministry of Foreign Affairs, 2009.

7. Trier Hansen, Thomas. *The constitutional protection of human rights*. Copenhagen: Danish Institute for Human Rights, 2012.

- Articles

1. Hathaway, Oona A., "Do Human Rights Treaties Make a Difference?" *The Yale Law Journal* 111, no. 8 (2002).
2. Jensen, Steven, Stéphanie Lagoutte and Sébastien Lorion, "the Domestic Institutionalisation of Human Rights: An Introduction." *Nordic Journal of Human Rights* 37, Issue 3 (2019).
3. Lagoutte, Steven, "The Role of State Actors Within the National Human Rights System." *Nordic Journal of Human Rights* 37, Issue 3 (2019).
4. Pegram, Tom, "Global Human Rights Governance and Orchestration: National Human Rights Institutions as Intermediaries." *European Journal of International Relations* 21, Issue 3 (2015).
5. Ramcharan, Bertrand G. "The National Responsibility to Protect Human Rights." *Hong Kong Law Journal* 39, Part 1 (2009).
6. Roberts Lyer, Kirsten. "Parliaments as Human Rights Actors: The Potential for International Principles on Parliamentary Human Rights Committees." *Nordic Journal of Human Rights* 37, Issue 3 (2019).

- Documents and Reports

1. United Nations Centre for Human Rights. *National human rights institutions: A handbook on the establishment and strengthening of national institutions for the promotion and protection of human rights*. Professional training series: no.4. Geneva: United Nations, 1995.
2. United Nations Division of Human Rights, *Seminar on National and Local Institutions for the Promotion and Protection of Human Rights: ST/HR/SER.A/2*, New York: UN Headquarters, 1978.
3. United Nations General Assembly. *Code of Conduct for Law Enforcement Officials*. New York: UN Headquarters, 1979.
4. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Contribution of Parliaments to the Work of the Human Rights Council and its Universal Periodic Review*, May 17, 2018.
5. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Basic Principles on the Independence of the Judiciary*. Milan: The Seventh United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1985.
6. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Basic Principles on the Role of Lawyers*. Havana: The Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1990.
7. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law*

Enforcement Officials. Havana: The Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1990.

8. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Guidelines on the Role of Prosecutors*. Havana: The Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1990.
9. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Handbook on National Human Rights Plans of Action*. New York and Geneva: United Nations Headquarters, 2002.
10. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner (OHCHR). *Human Rights and Constitution Making*. New York: UN Headquarters, 2018.
11. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). *Bangalore Principles of Judicial Conduct*. Vienna: United Nations Office, 2006.
12. United Nations Secretary General. *Guidance Note of the Secretary-General: United Nations Assistance to Constitution-Making Processes*. New York: UN Headquarters, 2009.
13. United Nations Secretary General. *Guidance Note of the Secretary-General on United Nations Constitutional Assistance*. New York: UN Headquarters, 2020.
14. United Nations Secretary General. *Strengthening of the United Nations: an agenda for further change: report of the Secretary-General: A/57/387*. New York, September 9, 2002.
15. United Nations Secretary General, *Strengthening United Nations action in the field of human rights through the promotion of international cooperation and the importance of non-selectivity, impartiality and objectivity*, August 21, 2017.

- Online Sources

1. The Danish Institute for Human Rights. "National Human Rights Systems." Last visited April 25, 2023. https://humanrightseducation.dk/Intro_to_HR/National_HR_systems/story_html5.html.
2. UNICEF. "Child Protection Systems Strengthening." Last visited November 2, 2022. <https://www.unicef.org/documents/child-protection-systems-strengthening>.